

مفهوم و جایگاه جنگ نرم در گفتمان انقلاب اسلامی

(بر اساس اصول قرآن کریم)

اصغر افتخاری^۱

چکیده

مقاله حاضر تلاش می‌کند تا نظریه و الگوی جنگ نرم را در چهارچوب گفتمان انقلاب اسلامی، فهم و تحلیل نماید. پرسش از چیستی جنگ نرم در جامعه علمی ما مهم و دارای ارزش راهبردی بالایی است. دلیل این امر به تنوع و تعدد تعاریفها و همچنین غلبه رویکردهای غیر ایرانی - اسلامی در تحلیل جنگ نرم باز می‌گردد. به همین خاطر است که الگوهای مدیریت برآمده از این نظریه‌ها، کارآمدی لازم را در جامعه ایران ندارند. نگارنده در مقاله حاضر با اتخاذ رویکردی قرآنی تلاش دارد تا ضمن پاسخ‌گویی به سوال از «چیستی جنگ نرم و شناسایی ارکان اجرایی آن»، زمینه مناسب برای طراحی الگوی راهبردی مدیریت این جنگ‌ها را فراهم سازد. در این مقاله مؤلفه‌های پیشنهادی محقق برای طراحی الگوی موثر مدیریت جنگ نرم از منظر اسلامی آمده است. نتایج تحقیق دلالت بر آن دارد که: تربیت دینی، بنیاد اخلاقی قدرت سیاسی و منابع نرم‌افزاری قدرت، (به مثابه ارکان اساسی انقلاب اسلامی در ایران) سه هدف اصلی در جنگ نرم بر ضد انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌آیند و بر این اساس، مؤلفه‌های راهبردی الگوی مدیریت جنگ نرم ایران نیز لازم است متوجه تقویت جایگاه منابع نرم‌افزاری قدرت، صیانت از اصول اخلاقی نظام اجتماعی و بالاخره تلاش برای ترویج الگوی تربیت ایمانی در جامعه اسلامی، باشد.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، اسلام، جنگ نرم، قدرت نرم، قرآن کریم، تربیت

اسلامی، فرهنگ اجتماعی، مدیریت قدرت

مقدمه

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ
كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَالْقَيْنَا بَيْنَهُمْ
الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعُونَ فِي
الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (مائده/ ۶۴)

«و یهودیان چنین اظهار داشتند که دست (قدرت) الهی در بند است (و خدای متعال عاجز از اقدام می‌باشد). دست‌های خود ایشان در بند است (و عاجزند). به سبب آنچه بیان نمودند، مورد لعنت واقع شدند. بلکه (همانا) دستان (قدرت) الهی باز است (و بر همه چیز تواناست). خداوند هرآن گونه که بخواهد، می‌بخشد. و یقیناً چنین باشد که طغیان و کفر بسیاری از ایشان به واسطه آنچه از ناحیه خداوند بر تو نازل شده، فزونی گیرد. و ما در میان ایشان تا روز قیامت دشمنی و کینه‌ورزی را بیافکنیم. پس هر آن آتشی که برای جنگ بیافروزند (و سعی در آتش افروزی نمایند)، خداوند آن را خاموش سازد. و ایشان در پی ایجاد فساد و تباهی در زمین هستند و (همانا) خداوند مفسدان را دوست ندارد».

مورخان و مفسران سیاسی در باب شان نزول آیه فوق‌الذکر، از تلاش‌های مستمر و متنوع یهودیان در ستیزش با مسلمانان یاد کرده‌اند که نتیجه آن پدید آمدن جنگ‌های متعدد بر ضد جامعه اسلامی بوده است. اما آنچه در آیه شریفه ۶۴ از سوره مبارکه مائده، برجسته می‌نماید؛ ماهیت جنگی است که یهودیان طراحی و اجراء نموده‌اند. مطابق تصریح نص الهی، یهودیان در مقام معارضة با مسلمین، نسبت به مخدوش نمودن ایمان ایشان به خدای متعال اهتمام ورزیده و از عجز راهبردی خداوند در میدان نبرد سخن می‌گویند؛ مبنی بر این‌که: دست خداوند در یاری مسلمانان به هنگام کارزار بسته است و نمی‌توان به مساعدت و قدرت الهی امیدوار بود. در پاسخ به این اقدام روانی و ضد اعتقادی یهودیان است که خداوند متعال، آنها را لعن نموده، دچار دشمنی‌شان با یکدیگر ساخته و تاکید می‌نماید: خداوند آتش هرآن جنگی را که ایشان بر ضد مسلمانان برافروزند، خاموش خواهد نمود. آیت‌الله سید محمد تقی مدرس، از این کلام الهی،

مساعادت سیاسی خداوند نسبت به مسلمانان را در موقعیت‌های جنگی استنباط نموده است که مطابق ظاهر آیه و شأن نزول آن است (مدرسی ۱۳۸۶: ۳۰).

مستند به تفسیر بالا و همچنین کاربرد عام واژه «جنگ» (حرب)، می‌توان چنین اظهار داشت که «جنگ‌های نرم» نیز از مصادیق آیه فوق‌الذکر است. بدین معنا که درک ماهیت این جنگ‌ها و نحوه مقابله با آنها، به نوعی با ماهیت توحیدی اسلام مرتبط است؛ و همین ملاحظه ضرورت پردازش رویکردی اسلامی را در جامعه علمی ما را مشخص می‌سازد. به عبارت دیگر انقلاب اسلامی ایران به دلیل ابتناء بر آموزه‌های دینی در تکوین، ظهور و استمرار حیاتش، به طور طبیعی معنایی متفاوت و الگویی متمایز از نظریه‌های متعارف جنگ نرم را تجربه می‌نماید که می‌تواند مورد پژوهش و نظریه‌پردازی قرار گیرد. نوشتار حاضر از این منظر تهیه شده و به دنبال آن است تا نظریه و الگوی جنگ نرم را در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی فهم و تحلیل نماید. نگارنده با عنایت به ماهیت متحول نظریه‌های جنگ و افزایش ضریب نفوذ و کارآمدی آنها در عصر حاضر، پرسش از چیستی جنگ نرم در گفتمان انقلاب اسلامی را مورد توجه قرار داده و در پی آن است تا الگوی عملیاتی این گونه از جنگ‌ها در مقام عمل را، استنباط و ترسیم نماید.

از رهگذر این تحلیل، سیاست‌های اصلی جنگ نرم دشمن بر ضد انقلاب اسلامی، شناسایی و قابل مدیریت می‌گردند. برای این منظور نخست دستگاه تحلیلی سه وجهی اسلام در مقام شناخت قدرت، طراحی و ارایه می‌گردد؛ و سپس بر بنیاد آن ارکان سه‌گانه جنگ نرم مشخص می‌شوند. این رویکرد تحلیلی از آن حیث که جامع است، از دستگاه تحلیلی تک بُعدی عرفی‌گرا، برای شناخت گونه‌های جنگ نرم و مدیریت آنها، کارآمدتر و موثرتر ارزیابی می‌گردد.

۱. خاستگاه نظری: قدرت نرم - جنگ نرم

متعاقب طرح مفهوم «قدرت نرم»^۱ توسط جوزف نای (نک، ۱۳۸۷)، شاهد تولید طیف متنوعی از مفاهیم جدید با وصف «نرم» - مانند امنیت نرم، استراتژی نرم، و ... - هستیم که «جنگ نرم» نیز از جمله آنها می‌باشد. به همین دلیل است که نقطه آغازین شناخت تمامی این مفاهیم را

^۱ - Soft Power

شناخت و تحلیل نظریه نای شکل می‌دهد. این در حالی است که در حوزه اسلامی - ایرانی به دلیل تفاوت مبانی نظریه قدرت، نمی‌توان به یکسانی مفاهیم این واژگان قایل شد. به عبارت دیگر مدلول و نحوه کاربست این مفاهیم در گفتمان اسلامی متفاوت از کاربردهای متعارف و عرفی‌گرا می‌باشد. در این قسمت نگارنده دو دستگاه معرفتی را از یکدیگر تمییز داده و بر اساس آن دو نظریه متفاوت از جنگ نرم را - متعلق به گفتمان‌های غربی و اسلامی - ارایه می‌نماید. چنان که ملاحظه می‌شود شاخص این دسته بندی "نوع گفتمان" است. به این معنا که انقلاب اسلامی به خاطر تعلق داشتن به گفتمانی متفاوت از گفتمان غربی، به طور طبیعی نمی‌تواند تلقی و تصویری عرفی از جنگ نرم داشته باشد. منظور از گفتمان انقلاب اسلامی در این نوشتار مجموعه‌ای از گزاره‌هایی است که در چارچوب آموزه‌های اسلامی با یکدیگر کلاف شده‌اند و به اندیشه، رفتار و اهداف پیروان آن معنا می‌دهند. ویژگی این گفتمان در قیاس با گفتمان غربی که کار ویژه مشابهی را در جهان سکولار ایفاء می‌نماید، آن است که: این گفتمان بر بنیاد "شرعی‌سازی حیات انسانی" قرار دارد و در نتیجه از جدانگاری "دین-حیات اجتماعی" که مورد قبول گفتمان غربی است، متمایز می‌گردد (نک. افتخاری: ۱۳۸۵).

۱-۱. نظریه تک ساختی قدرت نرم

اگر قدرت را به معنای «اعمال نفوذ» یک بازیگر بر دیگری به منظور تغییر رفتار او در جهت مطلوب بازیگر عامل بدانیم (نک. لوکس ۱۳۷۲؛ کگل ۱۳۷۹)، آن گاه مشخص می‌شود که قدرت دلالت بر «توانایی» دارد؛ توانایی که اگر چه در منبع تولید آن اختلاف نظر وجود دارد، اما در نهایت تحولی عینی^۱ در عرصه خارجی پدید می‌آورد (مکفرسون ۱۳۸۰: ۹). به همین خاطر است که رویکرد عرفی‌گرا از ابتداء نسبت به ساخت‌های نظامی، اقتصادی و یا سیاسی مولد قدرت حساس بوده است. این نقیصه به تدریج - و در مواجهه با واقعیت‌های بیرونی - نقد و اصلاح می‌شود، تا آنجا که در کنار منابع سخت مولد قدرت، شاهد توجه اندیشه‌گران غربی به منابع نرم‌افزاری قدرت - همچون استدلال، اقناع، جذابیت و ... - می‌باشیم که به تعبیر نای، بر بنیاد «علاقه» قرار دارند (نای ۱۳۸۷: ۴۳). در مقام جمع‌بندی این نظریه می‌توان اظهار داشت

¹ - Objective

که گفتمان عرفی گرا، در نهایت با تاکید بر فرآیند «فرهنگی شدن»^۱ و «اجتماعی شدن»^۲ قدرت، وجود نوع تازه‌ای از منابع برای تولید قدرت را برجسته می‌سازد که شامل مواردی چون: فرهنگ، سبک زندگی، ارزش‌های اجتماعی، الگوهای رفتاری، و ... می‌شود؛ یعنی همان مواردی که در ذیل عنوان «منابع نرم قدرت» از آنها تعبیر شده است (نک. ره‌پیک و دیگران ۱۳۸۷: ۴۲-۷۲).

۱-۲. نظریه سه ساحتی قدرت نرم

با مراجعه به قرآن کریم و سنت معصومین علیهم‌السلام مشخص می‌شود که دستگاه تحلیل و شناخت قدرت در گفتمان اسلامی تک بعدی (و صرفاً مبتنی بر تمییز منابع آن) نمی‌باشد؛ و افزون بر آن دو مولفه دیگر در شناخت و ارزیابی قدرت موثر هستند (افتخاری ۱۳۸۷: ۱۵-۱۲). به عبارت دیگر در گفتمان اسلامی سه مولفه اساسی برای تحلیل و ارزیابی قدرت وجود دارد که عبارتند از:

۱-۲-۱. استحکام قدرت و جنگ نرم تربیتی

منظور از «استحکام» نوع سازماندهی و ساخت‌بندی مولفه‌های قدرت است، به گونه‌ای که توان‌مندی را افزایش داده و به برتری قدرت منجر می‌شود. بنابراین ملاحظه، «قدرت سست» به قدرتی اطلاق می‌گردد که در عین بهره‌مندی از عناصر قوی، اما از حیث سازماندهی و ساختاری از قوت لازم برای تامین اهداف عامل آن برخوردار نیست. تفکیک «قدرت» از «قوت» در گفتمان اسلامی با همین معیار صورت گرفته و در کلام الهی دو استعاره برای انتقال این معنا وجود دارد که موید برداشت بالا است:

الف. استعاره «بیت العنکبوت»

استعاره «خانه عنکبوت» از جمله استعاره‌های مهم و تامل برانگیز قرآن کریم است که در پرتو پیشرفت‌های علمی ظرایف و پیچیدگی‌های آن آشکار شده است. در حالی که پدیده حاصل آمده از فعالیت عنکبوت که به صورت «تارهایی نازک» نمود پیدا می‌نماید، از نظر عناصر و مواد تشکیل دهنده و قدرتمند می‌نماید؛ اما در شکل و ساختار بیرونی‌اش و یا کارویژه‌های تعریف شده برای یک خانواده به شدت بنیادی سست دارد که آسیب‌پذیر بوده - و به تعبیری از «قوت

¹ - Culturalization

² - Socialization

لازم» برخوردار نیست. در نتیجه ما با «قدرت سست» مواجه هستیم: «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنكبوت / ۴۱). مثل کسانی که به جزء خداوند متعال، ولی دیگری را برگزیده‌اند، چیزی شبیه (کار) عنكبوت است؛ آنجا که برای خود (بعضاً) خانه‌ای می‌سازد؛ و همانا سست‌ترین خانه‌ها، خانه عنكبوت است - البته اگر بدانند».

ب. استعاره «بنیان مرصوص»

رص در زبان عربی به معنای اضافه نمودن چیزی به چیز دیگر است که به نوعی که هم در ممزوج گردند (بیستونی ۱۳۸۶: ۴۳۲)، مشابه آنچه امروزه «آلیاژ» می‌نامند. بر این اساس خداوند متعال ویژگی منحصر بفرد اجتماعات دینی را ارتباط وثیق ایشان با یکدیگر می‌داند که از آنها پدیده‌ای واحد (علی‌رغم تفاوت‌ها و تکثرشان) شکل می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ» (صف / ۴) همانا خداوند به تحقیق کسانی را که در راهش قتال می‌نمایند - در حالی که در صفی واحد بوده و چونان بنیانی بسیار مستحکم و به هم فشرده هستند - دوست دارد».

نتیجه آن که صرف در اختیار داشتن مولفه‌ها و عناصر قدرت برای نیل به اهداف کافی نیست، بلکه لازم می‌آید تا قدرت «مستحکم» گرد و بدین ترتیب ضریب نفوذ و اثر آن افزایش یابد. بر این اساس نسبت و اولویت قدرت بازیگران را می‌توان در چهار حالت ارزیابی نمود (نگاه کنید به جدول شماره ۱):

جدول شماره ۱: موقعیت‌های راهبردی قدرت با معیار میزان قوت آن

اندک	زیاد	میزان قدرت نوع قدرت
۲	۱	مستحکم
۴	۳	سست

چنان که ملاحظه می‌شود بهترین وضعیت در خانه ۱ و بدترین وضعیت در خانه ۴ متصور است. نکته در خور توجه آن که خانه ۲ نسبت به خانه ۳ وضعیت بهتری - مستند به منطق توحیدی - دارد. بدین معنا که قدرت «اندک و مستحکم»، «قدرت زیاد و سست» غالب خواهد

بود. چنان که به کرات در تاریخ تحول جوامع انسانی شاهد آن بوده‌ایم و بیان صریح الهی نیز مویذ آن می‌باشد: «... کَم مِّن فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» «چه بسیاریند گروه‌های اندکی که به اذن الهی بر گروه‌های پُرشمار، غلبه نمودند. و خداوند با صابران است» (بقره/ ۲۴۹). البته الگوهای راهبردی برای افزایش استحکام قدرت، متنوع و متفاوتند که در یک جمع‌بندی کلی آنها را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم نمود:

اول. الگوی تربیتی که در آن از طریق نهادینه‌سازی هنجارها به اصلاح رفتارها و همسوسازی آنها اهتمام می‌شود (نک. علم‌الهدی ۱۳۸۸: ۳۶۳ - ۳۸۵).

دوم. الگوی تبلیغاتی که در آن از طریق تصویرسازی و دستکاری‌های روان‌شناختی، بازیگران به همسو و منسجم نشان داده می‌شوند (See Sharp 2005: 435-446).

اگر چه هر یک از دو الگوی مذکور، ارزش راهبردی خاص خود را دارد؛ اما بررسی‌های تحلیلی به عمل آمده در ارتباط با الگوی تربیتی، حکایت از برتری و کارآمدی بالای الگوی اول دارد. دلیل این امر به نهادینه‌شدن عناصر هنجاری در این الگو، توجه به عناصر مهمی چون آگاهی، معرفت و باور؛ و همچنین تأکید ویژه بر روی اصل مهم «پذیرش» تا «اجبار» (در مقام عمل به کردارهای مختلف) است (نک. رحیمی ۱۳۸۹: ۳۴۵-۲۰۲).

بر این اساس می‌توان چنین اظهار داشت که اولین عرصه جنگ نرم، معطوف به بنیادهای تربیتی قدرت سیاسی در جامعه است. بدین صورت که هرگونه طرح و برنامه‌ای که بتواند مبادی تربیتی رفتارها و تحلیل‌های سیاسی را تضعیف یا زایل سازد، از آنجا که «استحکام قدرت» را هدف قرار می‌دهد، مصداقی از جنگ نرم به شمار می‌آید.

۲-۱. مدیریت قدرت و جنگ نرم راهبردی

منظور از «مدیریت قدرت» نحوه به کارگیری قدرت از سوی عامل انسانی است، به گونه‌ای که با کمترین هزینه ممکن بیشترین ضریب تاثیر را داشته باشد. از حیث تاریخی، رسالت اولیه استراتژین‌ها، پرداختن به «مدیریت قدرت» بوده است؛ بدین معنا که با تامل در نحوه آرایش نیرو و یا زمان فعال شدن آنها، امکان پیروزی را برای یک جبهه-حتی اگر از حیث شاخص‌های صوری، قدرت کمتری داشته باشد - ممکن می‌ساختند (Murray & et.al 1994: 1-6).

«مدیریت قدرت» از دو ناحیه تقویت می‌گردد (کلاوزویتس ۱۳۸۵: ۴۰-۳۹):

الف. مدیریت قدرت مبتنی بر دانش

ب. مدیریت قدرت مبتنی بر هنر

«دانش» دلالت بر الگوهای علمی متعارف دارد که درحوزه راهبرد و امنیت هم‌اکنون تدریس و آموزش داده می‌شود و از این ره‌گذر فرماندهان امکان اداره بهتر منابع و مولفه‌های قدرت را در عرصه جنگ پیدا می‌نمایند (بیلیس و دیگران ۱۳۸۲: ۴۱۵-۴۱۲). اگر چه این مولفه از اهمیتی دو چندان برخوردار است و نقش آن در جنگ‌های امروزی غیر قابل انکار است، اما در فلسفه استراتژی کلاسیک با مفهوم دیگری نیز مواجه هستیم که از آن به «هنر» تعبیر شده و محور اصلی شناخت استراتژی را شکل می‌دهد (بیلیس و دیگران ۱۳۸۲: ۵۳-۴۶).

از این منظر می‌توان مولفه‌های مدیریت قدرت را به دو دسته اصلی «ذاتی» (که هنر را شامل می‌شود) و «اکتسابی» (که دانش را در برمی‌گیرد) تقسیم نمود. آنچه در جنگ نرم بیشتر هدف قرار می‌گیرد، حوزه ذاتی مدیریت قدرت است (کلاوزویتس ۱۳۸۵: ۱۵). بدین معنا که استعدادها، ویژگی‌ها و عواملی که می‌توانند زمینه‌ساز بهره‌مندی بازیگر از مولفه‌های ذاتی مدیریت قدرت گردند، هدف واقع شده و تلاش می‌گردد تا این بُعد از مدیریت قدرت در جامعه اسلامی غیر فعال و یا تضعیف شده و در نتیجه الگوهای عرفی‌گرای مدیریت قدرت که بردانش غیر دینی (سکولار) استوار است، مبنا قرار گیرند.

در قرآن کریم برای بیان موقعیت و جایگاه این دو مولفه، از دو واژه «علم» و «خُلُق و خَلْق نیکو» استفاده شده است که هر یک سهمی در افزایش توان‌مندی بازیگر دارند؛ با تاکید بر این که «خُلُقیات و خُلُقیات» از حیث اهمیت و تاثیرگذاری به مراتب مهم‌تر و موثرترند. به همین خاطر است که در حوزه مدیریت قدرت، دو گزاره راهبردی زیر را می‌توان استنباط نمود:

الف. دانش راهبردی متعارف، ابزاری موثر برای افزایش ضریب نفوذ قدرت است.

در قرآن کریم وصف برتری‌های حضرت سلیمان و داوود علیهم‌السلام را چنین می‌خوانیم: «وَكَلَّفْنَا آدَامًا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ أَنْ أَمْعَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرْ فِي السَّرْدِ وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ وَلَسَلِيمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرٌ وَرَوَّاحُها شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ

مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ» و همانا به تحقیق به داود از جانب خودمان، فضیلتی دادیم؛ آنجا که کوهها و مرغان را (امر نمودیم) تا با او همنا شوند و آهن را برایش نرم نمودیم تا (بتواند) زره‌های (مناسب) و گشاد بسازد و در این کار اندازه (لازم) را رعایت نماید. (تو و خاندانت) کارهای شایسته انجام دهید (که) همانا من به آنچه انجام می‌دهید، بصیر هستیم. و برای سلیمان بادی را مسخر نمودیم که در هر صبحگاه و شامگاه (به اندازه) یک ماه را طی می‌نمود. و ما برایش چشمه مس گداخته را روان ساختیم. و برخی از جنیان به اذن پروردگارش در برابر او (و برای او) کار می‌کردند. از آنان هر که از فرمان ما سر می‌تافت، او را عذاب فروخته (و سوزان) می‌چشانیم». (سبأ / ۱۰-۱۲)

مطابق کلام الهی، پاره‌ای از علوم خاص که قدرت زا بوده‌اند، (مانند ذوب آهن و ساخت تجهیزات، استفاده از امکانات برتر و نیروهای خارق‌العاده، بهره‌مندی از دانش ذوب مس برای مصارف توسعه‌ای و دفاعی و ... در خدمت این حضرات قرار گرفته و لذا شاهد برتری آنها در عرصه جنگ و مبارزه و به طور کلی مدیریت قدرت، می‌باشیم.

ب. مواهب الهی، تاثیری محوری بر مدیریت قدرت دارند.

در حالی که مولفه‌های سخت‌افزاری قدرت و دانش‌های مرتبط آنها در اداره جنگ نقش موثر دارند، اما با تامل در راهبرد توحیدی اتخاذ شده از سوی پیامبران و به ویژه رسول خدا محمد مصطفی ﷺ مشخص می‌شود که «عطایای الهی» (که از آنها به فضایل یا همان معنای کلاسیک هنر می‌توان تعبیر نمود)، نمودی بارز دارند و چنان برجسته شده‌اند که تمامی عوامل دیگر به نوعی در ذیل آن معنا و مفهوم می‌یابند. برای مثال خداوند متعال «سیرت زیبای داده شده به حضرت محمد ﷺ» را مهمترین عامل قدرت‌زای وی دانسته و اظهار می‌دارد که اگر تمامی اموال (منابع مادی) جامعه را خرج می‌نمود، نمی‌توانست به این اهداف دست یابد: «وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» «و خداوند میان دل‌های آنان الفت نهاد. اگر همانا تو تمام آنچه در زمین است را هزینه می‌نمودی (تا این کار را بکنی) باز هم میان دل‌های آنان الفت برقرار نمی‌شد. لکن خداوند بین آنها الفت بر قرار ساخت. همانا خداوند توانمند و حکیم است». (انفال / ۶۳)

۳-۲-۱. منبع قدرت و جنگ نرم هویتی

سومین مؤلفه در تمییز گونه‌های مختلف قدرت، «منبع» مولد قدرت است که در «قدرت‌شناسی» از سابقه دیرینه‌ای برخوردار است و امروزه نیز به عنوان مولفه اصلی در تعریف قدرت سخت و قدرت نرم به کار می‌رود. از این منظر دو گونه از منابع را می‌توان از هم تفکیک نمود (زررقانی ۱۳۸۸: ۲۸۰-۲۰۹):

الف. منابع سخت قدرت

ب. منابع نرم قدرت

وصف بارز منابع سخت، «عینیت»^۱ آنها می‌باشد که مواردی چون تسلیحات، پول، تعداد و ... را شامل می‌شود؛ حال آن که مواردی از قبیل دیپلماسی فرهنگی و عمومی، هنجارهای اجتماعی، دین و ... اگر چه مقولاتی عینی به شمار نمی‌آیند، اما می‌توانند همچون منابع سخت‌افزارانه، قدرت تولید نمایند و از این حیث بسیار مهم ارزیابی می‌شوند (نک. میلسن ۱۳۸۸: ۱۰۶-۳۹). دلیل این اهمیت به نقش آفرینی این منابع در سطح هویت‌سازی باز می‌گردد که حکایت از آن دارد که منابع هویت‌ساز، هدف مهمی در جنگ‌های نرم می‌توانند باشند.

بر این اساس مشخص می‌شود که جنگ نرم بیشتر «منابع نرم قدرت» را هدف قرار می‌دهد و لذا می‌توان آن را اقدامی ارزیابی نمود که در پی تضعیف و یا غیرفعال‌سازی منابع اعتقادی، ایمانی، انسانی و ... قدرت بازیگر مقابل بود. حال آن که در جنگ سخت عمدتاً منابع سخت‌افزاری قدرت حریف مورد هجوم قرار می‌گیرد. برای مثال خداوند متعال در سوره مبارکه مائده، در مقام تضعیف دشمن که اقدام به عملیات نظامی بر ضد مسلمانان نموده است، نیروی انسانی ایشان را هدف قرار داده و با تعیین مجازات‌هایی برای ایشان، امکان مقابله با تعرضات دشمن از طریق ایجاد ضعف در نیروی انسانی‌اش را، برای مسلمانان فراهم می‌سازد. در واقع یکی از منابع سخت قدرت دشمن را - که در الگوی رزمی و امنیتی آن عصر از اهمیت محوری برخوردار بود - هدف قرار می‌دهد؛ آنجا که قتل و یا تبعید ایشان را مجاز می‌شمارد: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَالْهُم فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ».

¹ - Objective

«همانا کیفر کسانی که با خداوند و رسولش می‌جنگند و برای ایجاد فساد در زمین سعی می‌نمایند، جز آن نیست که به سختی کشته شوند یا این که به دار آویخته شوند، یا دستار و پاهایشان بر خلاف جهت یکدیگر بریده شود و یا این که از سرزمین (خودشان) رانده شوند. این برای آنان مایه خواری در دنیا است و برای ایشان در آخر غذاب بزرگی است.» (مانده / ۳۳)

همین رویکرد در خصوص سایر منابع سخت‌افزاری لحاظ شده و تخریب پایگاه‌ها و منابع مورد اتکاء دشمن^۱، یا حفاظت از تسلیحات نیروهای خودی در مقابل تعرض دشمن^۲ و ... مورد تاکید واقع شده است. در مقابل بر تقویت منابع نرم‌افزاری همچون اخلاق، توان ارایه استدلال، وحدت و انسجام و ... نیز تاکید شده؛ که از توان تاثیرگذاری بالایی در معادلات قدرت برخوردارند. برای مثال «خُلُقِ حَسَن» را به عنوان قدرت نفوذ و تسخیر قلب‌ها می‌شناساند که در صورت ضعف آن، افراد و گروه‌های اجتماعی (که در حکم یک منبع سخت‌افزارانه قدرت هستند) پراکنده و توان اقدام جبهه اسلامی زایل می‌گردد (ال عمران/ ۱۵۹)؛ چنان که از نیرنگ به مثابه یکی از منابع نامشروع قدرت نرم کافران یاد شده که مورد توجه کفار و منافقان می‌باشد (بقره/ ۹)؛ و یا از «دروغ‌پردازی» به عنوان مشیء ناصوابی یاد شده که فاسد کننده قدرت اصیل و مولد فرصت و توانی صوری و غیر واقعی است که بزودی در برابر واقعی جبهه حق رو به زوال می‌گذارد و سرنوشت تمامی اقوامی که در مقابل رسولان الهی راه عناد را برگزیدند، موید این معنا است.^۳

۳. الگوی تحلیلی جنگ نرم در گفتمان انقلاب اسلامی

در حالی که الگوی عرفی گرای جنگ نرم به صورت تک بُعدی و در ارتباط با منابع نرم‌افزاری قدرت طراحی میشود، الگوی انقلاب اسلامی از منظری سه بُعدی به این موضوع نگریسته و

۱. قال الله تعالى: «يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ» (مانده / ۳۳)

۲. قال الله تعالى: «وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَذَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْلَبُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِحَتِكُمْ فَيَقِيلُونَ عَلَيْكُمْ مِبْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَدَىٰ مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرُضَىٰ أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا» (نساء / ۱۰۲)

۳. «كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ» (شعراء / ۱۷۶)

قال الله تعالى: «وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ» (حجر / ۸۰)

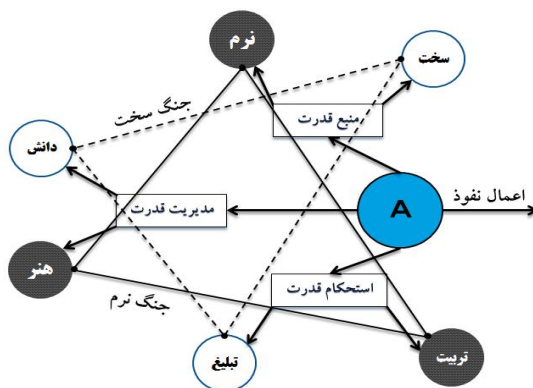
حداقل سه عرصه اصلی را برای جنگ نرم شناسایی می‌نماید (نگاه کنید به نمودار شماره ۱ - مثلث A):

اول. جنگ نرم تربیتی که با هدف تضعیف و زوال مبادی ایمانی قدرت انقلاب اسلامی شکل می‌گیرد.

دوم. جنگ نرم هویتی که با هدف تضعیف و زوال منابع نرم‌افزارانه قدرت انقلاب اسلامی شکل می‌گیرد.

سوم. جنگ نرم راهبردی که با هدف تضعیف و زوال ماهیت اخلاقی انقلاب اسلامی شکل می‌گیرد.

نمودار شماره ۱. حوزه‌های سه‌گانه جنگ نرم - جنگ سخت در گفتمان انقلاب اسلامی



با توجه به نمودار شماره ۱، مولفه‌های سه‌گانه جنگ نرم مطابق با گفتمان انقلاب اسلامی مشخص و به صورت مثلث A متمایز گردیده است. مهم‌ترین ویژگی رویکرد سه‌وجهی اسلام به مقوله جنگ نرم آن است که:

اول- این رویکرد جامع بوده و در قیاس با رویکردهای عرفی‌گرا، از توان بالاتری برای شناخت گونه‌های مختلف جنگ نرم برخوردار است. عدم انحصار جنگ نرم به حوزه «منابع نرم قدرت» و توجه به دو معیار مهم «استحکام» و «مدیریت» قدرت، این مزیت را برای الگوی اسلامی پدید آورده است.

دوم - این رویکرد واقع‌گراتر بوده و با توجه به دادن به این واقعیت که «جنگ نرم» در عرصه‌هایی مشابه با جنگ سخت شکل می‌گیرد، ماهیت واحد این دو پدیده را به مخاطب متذکر می‌گردد. در حالی که عمده نظریه‌های عرفی‌گرا مایل به بیان این فرضیه هستند که اصولاً جنگ نرم پدیده‌ای متمایز و متفاوت از جنگ سخت است - تا آن جا که برخی از ضرورت عدم کاربرد واژه «جنگ» برای این پدیده سخن گفته و بر این باروند که اصطلاح جنگ نرم را باید نقد و نفی و به جای آن از اصطلاحاتی چون تعامل و یا تضارب فرهنگی و ... استفاده برد (Ackerma, & Duvall 2000: 493-500) - الگوی انقلاب اسلامی با تمرکز بر حوزه‌های سه گانه، «منبع»، «استحکام» و «مدیریت» قدرت، تصریح دارد که هر دو گونه جنگ نرم و سخت در همین سه حوزه شکل می‌گیرد؛ با این تفاوت که اهداف جنگ‌ها در هر یک از این سه حوزه متفاوت می‌باشد. تفتن به ماهیت مشترک «جنگ‌های سخت و نرم» بعد واقع‌گرایانه گفتمان انقلاب اسلامی را در قیاس با گفتمان عرفی‌اندیش و لیبرال برجسته می‌سازد.

۴. اصول راهبردی مدیریت جنگ نرم بر اساس الگوی انقلاب اسلامی

از جمله کاربردهای الگوی سه وجهی ارائه شده، اطلاع از حوزه‌های اصلی‌ای است که در مقام مدیریت جنگ بایستی مورد توجه قرار گیرند. متناسب با سه مولفه «منبع»، «استحکام» و «مدیریت» قدرت نرم، حال می‌توان سه اصل راهبردی برای مقابله با جنگ نرم دشمن بر ضدانقلاب اسلامی، به شرح زیر پیشنهاد داد:

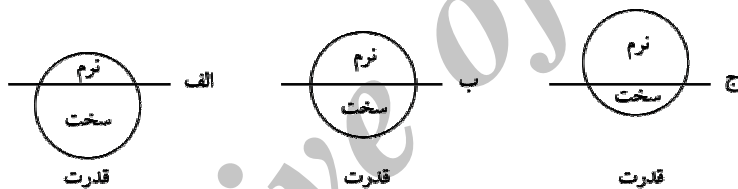
۴-۱. مرجعیت منابع نرم قدرت

اگر چه از ره‌گذر نقد رویکرد واقع‌گرایانه کلاسیک، دوره انحصار منابع قدرت به «منابع سخت» به پایان رسیده و امروزه ایده وجود و کاربرد منابع نرم قدرت به واسطه تولید منابع علمی متعدد و تجربه تاریخی بازیگران سیاسی در عرصه‌های داخلی و خارجی، قطعی و فراگیر می‌نماید (See Sharp 1973 - c: 573-654)، اما پرسش مهمتری مطرح شده که ناظر بر نسبت منابع نرم با منابع سخت قدرت می‌باشد. از حیث منطقی مکاتب موجود را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم نمود:

مکتب اول. واقع‌گرایی ترکیبی

از منظر این گروه از اندیشه‌گران - که عمده تحلیل‌گران عرفی‌گرا (سکولار) را شامل می‌شود - قدرت هر بازیگر ترکیبی از دو گونه متمایز از منابع است و نمی‌توان آن را همچون ادوار پیشین به منابع سخت‌افزاری صرف منحصر نمود. ویژگی بارز این مکتب آن است که برای هر دو دسته از منابع اعتبار وجودی قایل بوده و لذا از حیث هویت آن دو را «مستقل» ارزیابی می‌نماید. بر این اساس پیروان این مکتب ویژگی «عینیت»^۱ را برای هر دو دسته از منابع قدرت قایل هستند، اما همچون سنت‌گرایان شرط «محسوس بودن»^۲ را ملاک نداسته و بر این اعتقادند که منابع قدرت ممکن است «عینی ولی غیر محسوس» باشند که از آنها به «منابع نرم قدرت» تعبیر می‌نمایند (Sharp 1973 -a: 10-42). در نتیجه می‌توان چنین ادعا نمود که «حاصل جمع» توان‌مندی یک بازیگر ترکیبی از دو بخش خواهد بود: قدرت نرم و قدرت سخت (نگاه کنید به نمودار شماره ۲).

نمودار شماره ۲: الگوهای سه‌گانه قدرت در مکتب واقع‌گرایی ترکیبی



چنان که در نمودار شماره ۲ مشخص است؛ سه وضعیت قدرت را می‌توان در مکتب فکری واقع‌گرایی ترکیبی شناسایی نمود: قدرت با ترکیب اعتدالی (وضعیت ب)، قدرت با محوریت منابع نرم‌افزاری (وضعیت ج) و قدرت با محوریت منابع سخت‌افزاری (وضعیت الف). آنچه در این خصوص قابل توجه می‌نماید، آن است که در تمامی وضعیت‌ها، فرمول برآوردی زیر صادق است:

$$P=S_p+H_p$$

قدرت بازیگر = میزان قدرت نرم + میزان قدرت سخت

¹ - Objectivity

² - Sensible

اطلاق عنوان «واقع‌گرایی ترکیبی» نیز از همین منظر بوده است. اصالت دادن به ویژگی «عینی‌بودن» در مقام شناسایی منابع قدرت آن را «واقع‌گرا» می‌سازد؛ و عدم توجه به ویژگی «محسوس بودن» راه را برای طرح منابع نرمی چون اعتماد، دوستی، اعتبار و ... به عنوان منابع نرم‌افزاری قدرت می‌گشاید که در مجموع «ترکیبی بودن» قدرت را در این مکتب اثبات می‌نماید.

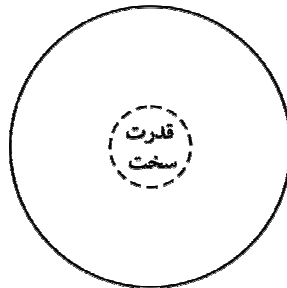
مکتب دوم. هنجارگرایی مبنایی

آن چه به عنوان مکتب «هنجارگرایی مبنایی» نگارنده از آن یاد نموده، مبتنی بر دو اصل است: اول- ماهیت قدرت در این مکتب بر «هنجارها» تا «عینیت‌ها» گذارده شده است. باید توجه داشت که منظور نگارنده نفی وجود و اعتبار هستی‌شناسانه «واقعیت‌های عینی» نمی‌باشد، بلکه غرض برتری و اولویت‌دادن هنجارها بر «عینیت‌ها» است. بر این اساس، تقسیم‌بندی ارایه شده از سوی مکتب واقع‌گرایی ترکیبی، اصولاً مورد تایید نیست، چرا که منابع نرم را نمی‌توان هم‌سنگ منابع سخت ارزیابی نمود.

دوم- در حالی که اصل اول، فلسفه وجودی عنوان «هنجارگرایی» را تبیین می‌نماید، اصل دوم قدری فراتر رفته و بر این اعتقاد است که «منابع سخت» در مقایسه با «منابع نرم» قدرت اموری عَرَضی هستند. به عبارت دیگر قدرت بازیگر، اصولاً «هنجاری» است و آنچه به عنوان منابع سخت‌افزاری قدرت از آن یا می‌شود، تابعی از میزان اعتبار و کارآمدی هنجارها است و در غیر این صورت، «سخت‌افزار» بی‌اعتبار و غیر کارآمد، خواهد بود. این سطح از تاثیرگذاری ناظر بر فلسفه وجودی قدرت است و از «اصالت» و یا «عدم اصالت» منابع قدرت پرسش می‌نماید؛ به همین دلیل است که وصف «مبنایی» برای این گونه از هنجارگرایی انتخاب شده است.

خلاصه مکتب «هنجارگرایی مبنایی» در موضوع قدرت چنین است: قدرت هر بازیگر، تابعی از میزان اعتبار و کارآمدی سازمان هنجاری حاکم بر آن است. بنابراین ارزش سخت‌افزار قدرت بازیگران را باید در نسبت با قوت نظام هنجاری آن ارزیابی نمود (نگاه کنید به نمودار شماره ۳):

نمودار شماره ۳: الگوی قدرت در مکتب هنجارگرایی مبنایی



نظام هنجار قدرت
(نرم‌افزار قدرت)

با رجوع به گفت‌وگوهای سیاسی قرآن کریم در بحث قدرت مشخص می‌شود که الگوی مطلوب اسلامی، هنجارگرایی مبنایی است که ریشه در اصول و جهان‌بینی اسلامی داشته و از سایر نظریه‌های الگوی موجود کاملاً متمایز است. کاربرد اصطلاح «مرجعیت منابع نرم قدرت» از سوی نگارنده بر همین اساس می‌باشد. بدین معنا که در نظریه قدرت قرآن کریم، منابع نرم قدرت در کنار (وهم عرض) منابع سخت‌افزاری قدرت به شمار نمی‌آیند؛ بلکه منابع ذاتی و اولیه قدرت، هنجاری و تمامی منابع سخت‌افزاری موجود در صورت ارتباط با آن حوزه هنجاری است که معنا و مفهوم یافته و کارآمد ظاهر می‌شوند. به همین خاطر است که برقراری ارتباط بین «قدرت سیاسی» با «نظریه توحید» (به مثابه منبع اصلی تولید قدرت نرم) و تلاش در راستای تقویت و صیانت از آن، از جمله رسالت‌های اولیه و بنیادین نظام‌های اسلامی به شمار می‌آید؛ رسالتی که می‌تواند به ارتقاء جایگاه جامعه اسلامی و برتری آن در عرصه عمل سیاسی منتهی شود.

در این ارتباط می‌توان به آیات شریفه زیر استناد نمود که هر یک بیان‌گر گزاره‌ای راهبردی مبتنی بر نظریه هنجارگرایی مبنایی است:

گزاره ۱. عدم اصالت عوامل انسانی

«وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (انفال/۱۷). در این آیه شریفه، خداوند متعال نقش عوامل انسانی را به نفع «امر مقدس»

نقد و نفی نموده و تصریح دارد که: «امر مقدس» (به مثابه تنها کانون تولید کننده مشروع هنجارها) بر امر عینی (عامل انسانی) مسلط است.

گزاره ۲. عدم اصالت کمیت

«كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره/ ۲۴۹). با توجه به نص آیه شریفه مشخص می‌شود که در قرآن کریم فقط منابع نرم قدرت «مرجعیت» دارند و بایستی به عنوان کانون‌های اصلی تولید قدرت در نظام اسلامی فعال گردند. سایر منابع در پرتو و در ارتباط با آنها معنا می‌یابند.

مهمترین منابع نرمی که موضوع کلام الهی قرار گرفته‌اند، در جدول شماره ۱ آمده‌اند (نگاه کنید به جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱. مرجعیت منابع نرم‌افزاری قدرت

ردیف	آیه شریفه	مستند
۱	اعتماد: ... يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيُؤْتَابُ اللَّهُ خَيْرٌ لِمَن آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ	قرآن کریم. سوره مبارکه القصص (۲۸). آیه شریفه ۷۹-۸۰
۲	اراده: ... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ	قرآن کریم. سوره مبارکه الرعد (۱۳). آیه شریفه ۱۱
۳	توکل: قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبُيُوتَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ	قرآن کریم. سوره مبارکه المائده (۵). آیه شریفه ۲۳-۲۴
۴	ولایت: وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ	قرآن کریم. سوره مبارکه المائده (۵). آیه شریفه ۵۶
۵	عدالت: وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ	قرآن کریم. سوره مبارکه المائده (۵). آیه شریفه ۸

۲-۳. اخلاقی نمودن «عامل» قدرت

این واقعیت که منابع قدرت به تنهایی برای اعمال نفوذ کافی نمی‌باشد و نقش «عامل قدرت» (بازیگر یا بازیگرانی که اقدام به اعمال قدرت می‌نمایند) خیلی مهم است؛ تحلیل‌گران را به آنجا

رهنمون شده تا نسبت به پرسش از چگونگی «اصلاح رفتار عامل قدرت» پرسش نموده و برای آن پاسخ‌های متفاوتی را جستجو و ارایه نمایند. (نک. ذاکریان و دیگران ۱۳۹۰; Crothers&Lockhart 2000). با مراجعه به اندیشه فلاسفه سیاسی مشخص می‌شود که «علم»^۱ مهمترین گزینه‌ای بوده که توانسته توجه عمده تحلیل‌گران را به خود جلب نماید. بر این اساس توجه به علم و دانش و تلاش برای حاکمیت بینش علمی، به ضرورتی راهبردی برای ارتقاء میزان توان‌مندی بازیگران در عرصه‌های سیاست داخلی و خارجی تبدیل شده که پیوسته در بررسی‌های تطبیقی بین‌المللی به آن ارجاع داده می‌شود (Sharp 1973- 6: chp.5).

فلاسفه قدرت نیز بر همین اساس، شاخص «علم و علم‌آموزی» را به عنوان یک منبع نرم در بحث مدیریت قدرت مورد توجه قرار داده‌اند که قادر است ضریب نفوذ بازیگر را افزایش دهد. این که امروزه شاهد رقابت شدید قدرت‌های برتر در عرصه‌های مختلف علمی برای اثبات برتری میزان قدرت نرم‌شان هستیم، مویذ این مدعاست.

این در حالی است که «دین» به صورت سنتی و تاریخی رقیبی جدی برای علم (به معنای مذکور) بوده است و نقش بلامعارض آن در مدیریت منابع قدرت و تنظیم روابط سیاسی پیوسته مدنظر نویسندگان مسلمان - و حتی غیر مسلمان - بوده است (نک. یاسوشی و کانل ۱۳۸۹ - الف؛ یاسوشی و کانل ۱۳۸۹ - ب). اما حاکمیت نظریه‌های اثبات‌گرایانه^۲ و خیزش جنبش‌های رادیکال علم محور، این وضعیت را مخدوش و دین را به نفع «علم اثباتی» به حاشیه راند (طیبی ۱۳۸۹: ۱۷۷-۱۴۷؛ جانز و لاهود ۱۳۸۹: به ویژه فصل ۳).

با تامل در دیدگاه‌های اثباتی مشخص می‌شود که دلیل اصلی برای این اقدام آن است که: علم به تولید «قانون» و دین به تولید «اخلاق» منتهی می‌شود. بنابراین چون جوامع برای قدرت آفرینی به قانون (که دارای ضمانت اجرایی لازم است) محتاجند، پس باید عرصه نقش آفرینی دین به امور معنوی و اخروی (که با امور اخلاقی فهم می‌شود) محدود گردد. این دلیل اصولاً باطل است؛ چرا که اخلاق برخلاف آنچه ادعا شده، امری عاری از «ضمانت اجرایی» نمی‌باشد. بلکه می‌توان ادعا نمود که ضمانت‌های امر اخلاقی از «قانون» متفاوت است. این ضمانت‌ها در ارتباط با «امر مقدس» قرار دارد و متضمن پاداش‌ها و تنبیه‌های حقیقی است. برای مثال رفتاری

¹ - Science

² - Positivist

به نام «غیبت و یا تهمت» با قانون قابل مدیریت نمی‌باشد، اما اخلاق با توجه به محدودیت‌ها و ضمانت‌های هویتی‌اش آن را تحدید ساخته است. به عبارت دیگر مکانیزم‌های ضمانتی اخلاق به مراتب از قانون، قوی‌تر و موثرتر است و به همین دلیل می‌باشد که برای مدیریت موثر امور سیاسی و اجتماعی، نمی‌توان به صرف «علم متعارف» و «قوانین برآمده از آن»، اتکاء نمود؛ بلکه لازم می‌آید تا این حوزه‌های رفتاری «اخلاقی» شوند. منظور از اخلاقی‌شدن، مرجعیت دادن به الگوهای رفتاری هنجاری است و این که بازیگران به صورت مبنایی تحت تاثیر اصول اخلاقی، رفتارهای خود را تنظیم و اجراء نمایند و در این راستا از «علم و دانش» بهره بگیرند. در این صورت است که ماهیت نرم‌افزارانه قدرت بر ابعاد سخت‌افزارانه آن غالب آمده، قدرت بازیگر را فعال و دارای ضریب نفوذ بالا می‌سازد (نک. حلمی‌زاده ۱۳۸۹: ۴۰۰-۳۳۵).

در این ارتباط می‌توان به جدول شماره ۲ مراجعه نمود که در آن نگارنده ارزش اصول اخلاقی را در معادلات قدرت، مستند به قرآن کریم بیان داشته است. چنان که ملاحظه می‌شود، اخلاق‌داری ارزش راهبردی به شرح زیر است (نگاه کنید به جدول شماره ۲):

الف. اخلاق به افزایش میزان توان‌مندی (در عین ثابت بودن منابع قدرت) منجر می‌شود (ردیف ۱).

ب. اخلاق به ضعف یا زوال ترس و نگرانی نزد عامل قدرت و در نتیجه افزایش ضریب امانیتی وی می‌شود (ردیف ۲).

ج. اخلاق منجر به افزایش حس مسئولیت‌پذیری در جامعه و تقویت هویت یکپارچه آنها در برابر دشمنان می‌شود (ردیف ۳).

د. اخلاق منجر به اصالت رابطه خالق / مخلوق و در نتیجه بهره‌مندی آنها از قدرت معنوی در مقابله با دشمنان می‌شود (ردیف ۴).

جدول شماره ۲: اخلاقی نمودن «عامل قدرت»

ردیف	آیه شریفه	مستند
۱	صَبُورٍ: ... إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ	قرآن کریم، سوره مبارکه الانفاق (۸). آیه شریفه ۶۵
۲	تَقْوَا: ... فَمَنْ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ	قرآن کریم، سوره مبارکه الاعراف (۷). آیه شریفه ۳۵
۳	مَسْئُولِيَّتِ يَذِيرِي: وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ	قرآن کریم، سوره مبارکه التوبه (۹). آیه شریفه ۷۱
۴	حُبٌّ: ... فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ	قرآن کریم، سوره مبارکه المائده (۵). آیه شریفه ۵۴

مجموع ملاحظات این بند را می‌توان رد قالب سومین گزاره راهبردی اسلام به شرح زیر

تلخیص نمود:

گزاره ۳. جذابیت اخلاقی قدرت

«فِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَئِن لَّهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ

وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» «پس

بنا به رحمت الهی است که با ایشان نرم خو شدی، و اگر درشت خوی و سخت دل بودی، همانا به یقین از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس از آنان درگذر و برایشان آموزش خواه و در کارها با آنها مشورت نما، پس چون عزم جزم نمودی بر خدا توکل نما (که) همانا خداوند متوکلان را دوست دارد» (ال عمران / ۱۵۹).

چنان که خداوند متعال در این آیه شریفه به تصریح آورده، کار ویژه اخلاق در حوزه قدرت سیاسی و اجتماعی، به تولید و ارتقاء میزان جذابیت «عامل قدرت» مربوط می‌شود. بدین معنا که اخلاق می‌تواند به فتح قلوب و عقول دیگران بدون توسل به زور، کمک نماید و از این طریق برتری و پیروزی را برای صاحب آن در پی بیارود. این گزاره از ره‌گذر تحلیل الگوی عملی پیامبر

اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام تا یباید دو چندان می‌گیرد، آنجا که مشاهده می‌شود بزرگترین دستاوردهای نبوی ﷺ در مقام مدیریت قدرت، از این ناحیه بوده است؛ چنان که ضعف مسلمانان از این حیث به فروپاشی حکومت علوی و عدم تاسیس نظام‌های حقّه در ادوار پس از آن منتهی شد (نک. افتخاری ۱۳۸۹: ۸۴-۱۱).

۳-۳. تربیت ایمانی و قدرت نرم توحیدی

«تربیت» را می‌توان رکن اصلی راهبردهای اسلامی برای فعال‌سازی منابع قدرت نرم در جامعه اسلامی ارزیابی نمود. دلیل این امر آن است که:

الف. قدرت نرم در گفتمان اسلامی از ناحیه خداوند متعال سرچشمه می‌گیرد.
 ب. جریان قدرت نرم از ناحیه خالق به نفع مخلوق، منوط به شرط ایمان است.
 ج. ایمان مقوله‌ای اعتقادی، استدلالی و عملی است که بدون تربیت محقق نمی‌شود.
 نتیجه حاصل آمده از ناحیه سه رکن بالا را می‌توان در قالب چهارمین گزاره راهبردی قرآن کریم، چنین جمع‌بندی نمود:

گزاره ۴. خداوند متعال مومنان را از قدرت توحیدی خویش بهره‌مند می‌سازد.

معنای این گزاره آن است که «قدرت الهی» به مثابه منبع اصیل و کامل قدرت نرم، به نفع انسان‌ها فعال شده و عمل می‌نماید؛ البته مشروط به وجود «ایمان». مهمترین گونه‌های قدرت الهی که خداوند متعال به مومنان وعده داده عبارتند از (نگاه کنید به جدول شماره ۳):

الف. خداوند متعال توان بالفعل شما را زیاد می‌نماید (ردیف ۱).
 ب. خداوند متعال از مومنان «دفاع» می‌نماید (ردیف ۲).
 ج. خداوند متعال منابع قدرت دشمنان شما را تضعیف و یا نابود می‌نماید تا قدرت شما برتر گردد (ردیف ۳).

د. خداوند متعال از مومنان حفاظت می‌نماید (ردیف ۴).

ه. خداوند متعال با فرشتگانش به مومنان کمک می‌رساند (ردیف ۵).

و. خداوند متعال از طریق تقویت و تا یباید سیاست‌های مومنان، ضریب نفوذ آنها را تضمین و افزایش می‌دهد (ردیف ۶).

ز. خداوند متعال بدون واسطه به یاری مومنان می‌آید (ردیف ۷).

جدول شماره ۳: گونه‌های قدرت نرم توحیدی

ردیف	آیه شریفه	مستند
۱	زیادت‌الهی: ... وَبَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ	قرآن کریم، سوره مبارکه هود (۱۱). آیه شریفه ۵۲
۲	دفاع‌الهی: إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ	قرآن کریم، سوره مبارکه الحج (۲۲). آیه شریفه ۳۸
۳	برخورد‌الهی: وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوْا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ	قرآن کریم، سوره مبارکه یونس (۱۰). آیه شریفه ۸۸
۴	صیانت‌الهی: قَالَ رَبِّ السَّخَنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ	قرآن کریم، سوره مبارکه یوسف (۱۲). آیه شریفه ۳۳
۵	امداد‌الهی: يُمِدُّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ	قرآن کریم، سوره مبارکه آل عمران (۱۲). آیه شریفه ۱۲۵
۶	تایید: وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبِكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي يُؤْتِيكَ مِنْ بَنِيهِمْ وَيُؤْتِيهِم مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِمْ وَيُؤْتِيهِم مِّنْ أَيْنَ لَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ مُّذَبِّحٌ	قرآن کریم، سوره مبارکه الانفال (۸). آیه شریفه ۶۲
۷	نفرت: الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُمْتَرِينَ	قرآن کریم، سوره مبارکه آل عمران (۱۲). آیه شریفه ۶۰

بر این اساس می‌توان چنین نتیجه گرفت که: هرگونه اقدامی که به تضعیف ایمان - به عنوان رابط بین مومنان با منبع قدرت توحیدی - منجر گردد؛ از مصادیق بارز جنگ نرم به شمار می‌آید. به عبارت دیگر تضعیف ایمان و باورهای اعتقادی مومنان، برای دشمنان دارای ارزش راهبردی است؛ چرا که به کاهش قدرت جامعه اسلامی و در نهایت برتری رقبا منجر می‌شود. به همین خاطر است که در جنگ نرم، تضعیف و استحاله «تربیت اسلامی» یک هدف اصلی و راهبردی برای دشمن به شمار می‌آید. متقابلاً تلاش برای تقویت بنیادهای ایمانی جامعه، راهبردی اساسی در مدیریت جنگ نرم دشمن، ارزیابی می‌گردد.

نتیجه گیری

انقلاب اسلامی ایران به مثابه یک گفتمان نه تنها شرایط محیطی را تغییر داده و به چالش کشید بلکه افزون بر آن، مفاهیم و نظریه‌های تازه‌ای را تولید نمود که از آن جمله می‌توان به مقوله جنگ نرم اشاره داشت. در حالی که برخی از نویسندگان در پی فهم نظریه و الگوی جنگ نرم در چارچوب نظریه‌های غربی می‌باشند، نگارنده با عنایت به ظرفیت‌های بی‌بدلیل انقلاب اسلامی که از ناحیه دین پدید آمده _ بر این باور است که لازم است این مفهوم را در درون گفتمان انقلاب اسلامی باز تعریف نموده و به صرف ارجاع به دیدگاه‌های غربی بسنده ننماییم. از این منظر جنگ نرم اصطلاحی نوین است که به صورت توأمان متأثر از نظریه قدرت و نظریه‌ی جنگ طی سال‌های اخیر رواج یافته است. اهمیت و توسعه سریع آن در حوزه‌های نظری و عملی منجر شده تا پرسش از چیستی و چگونگی مواجهه با آن، به سوالی مهم و راهبردی برای بازیگران در عصر حاضر تبدیل شود. این حساسیت به ویژه برای کشورهای اسلامی چون جمهوری اسلامی ایران دوچندان ارزیابی می‌شود. دلیل این امر به کاربرد گونه‌های متنوعی از جنگ نرم بر ضد ایران باز می‌گردد که تأمل در ابعاد نظری و ساختار عملیاتی آن را ضروری می‌سازد. با این حال سلطه نظریه‌های غیربومی، مانع از آن شده تا ماهیت این پدیده چنان که شایسته است، درک گردد. به عبارت دیگر بازیگران قدرتمند در نظام بین‌الملل با تعریف و طرح سیاست‌های تعارض جویانه خود در ذیل عناوینی چون دیپلماسی عمومی، سیاست فرهنگی، تعاملات علمی، همکاری در فضای مجازی، توسعه فناوری و، صیغه منفی آنها را کم رنگ و از اطلاق عنوان جنگ نرم بر آنها خودداری می‌نمایند. این در حالی است که کشورهای هدف به صورت موثری موضوع تعارض و بی‌ثباتی قرار گرفته و آثار و پیامدهای منفی جنگ‌های نرم را به صورت محسوس در حوزه‌های علمی، فرهنگی، فن آوری و تجربه می‌نمایند.

نگارنده جهت حل این مشکل از منظری بومی به موضوع جنگ نرم پرداخته و با استفاده از اصول راهبردی انقلاب اسلامی که در قرآن کریم آمده، سه وجه اصلی را برای جنگ نرم شناسایی و معرفی می‌نماید که در قیاس با رویکرد تک ساحتی عرفی‌گرا، جامع‌تر و کارآمدتر می‌نماید. بر این اساس می‌توان ادعا نمود که جنگ نرم پدیده‌ای چند وجهی است که در سه

حوزه «منبع نرم»، «مدیریت» و «استحکام» قدرت، امکان کاربرد می‌یابد. از این منظر جنگ نرم، تضعیف یا زوال منابع نرم قدرت حریف، تضعیف یا زوال ماهیت اخلاقی قدرت رقیب و بالاخره تضعیف یا زوال هویت هنجاری قدرت بازیگر مقابل را در دستور کار دارد و به همین خاطر بسیار موثرتر و خطرناک‌تر از جنگ‌های سخت ارزیابی می‌گردد. برای مدیریت این گونه از جنگ نرم نیز آنچه در قرآن کریم به عنوان اصول راهبردی - خطاب به جوامع اسلامی - آمده عبارتند از:

الف. ضرورت تقویت ایمان به منظور بهره‌مندی از قدرت توحیدی

ب. ضرورت تقویت مبادی اخلاقی قدرت سیاسی به منظور افزایش میزان پایداری

ج. ضرورت تقویت منابع اجتماعی قدرت در جامعه اسلامی همچون اعتبار، اعتماد، توکل، و

.... به منظور تدارک نواقص قدرت سخت و فعال‌سازی هر چه بیشتر آنها.

یادداشت:

***مقاله حاضر برگرفته از پروژه تحقیقاتی ای است که به سفارش پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با عنوان "تهدید نرم: رویکردی اسلامی" به انجام رسیده است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۸۷) چهره‌های قدرت: گذار از سخت افزارگرایی به نرم‌افزارگرایی. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۳. _____ (۱۳۸۹) اعتماد ملی و امنیت اجتماعی: رویکردی اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۴. _____ و دیگران (۱۳۸۵) شرعی سازی سیاست، فصلنامه دانش سیاسی. سال ۲. شماره ۴.
۵. _____ و دیگران (۱۳۸۹) ارزش و دانش: مقدمه‌ای بر دانشگاه اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۶. بیلیمس، جان و دیگران (۱۳۸۲) استراتژی در جهان معاصر. کابک خیبری، تهران: ابرار معاصر.
۷. پوراحمدی، حسین و دیگران (۱۳۸۹) اسلام و روابط بین‌الملل. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۸. جانز، آنتونی ونلی لاهود (۱۳۸۹) اسلام در سیاست بین‌الملل. رضا سیمبر، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۹. حلمی زاده، حمید(۱۳۸۹) قدرت نرم و امنیت نرم: چالش‌ها و راهکارهای فراروی جهان اسلام. میثم شیروانی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۱۰. رحیمی، علیرضا (۱۳۸۹) تعلیم و تربیت بصیرت‌گرا. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۱۱. ره‌پیک، سیامک و دیگران (۱۳۸۷) تهدیدات قدرت ملی: شاخص‌ها و ابعاد. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۲. زرقانی، سید هادی (۱۳۸۸) مقدمه‌ای بر قدرت ملی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۳. ساندرس، فرانسیس استونر (۱۳۸۲) جنگ سرد فرهنگی. مترجم: ناشر، تهران: غرب‌شناسی.
۱۴. سیمبر، رضا و ارسلان قربانی (۱۳۸۹) اسلام‌گرایی در نظام بین‌الملل. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۱۵. ضیایی پرور، حمید (۱۳۸۳- الف) جنگ نرم - ۱. تهران: ابرار معاصر تهران.
۱۶. _____ (۱۳۸۳- ب) جنگ نرم - ۲. تهران: ابرار معاصر تهران.

۱۷. طیبی، بسام (۱۳۸۹) اسلام، سیاست جهانی و اروپا. محمود سیفی پیرگو، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۱۸. علم الهدی، جمیله (۱۳۸۸) نظریه اسلامی تعلیم و تربیت. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۱۹. علیخانی، علی اکبر و همکاران(۱۳۸۸) روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۲۰. فاکس، جاناتان و شموئل سندلر (۱۳۸۹) دین در روابط بین الملل. محمدحسن خانی و مهشاد حسینی و سمانه امیرنکوئی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۲۱. کارفله، مارتین فان(۱۳۸۶) تغییر ماهیت جنگ. عبدالله حیدری. تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فن آوری دفاعی.
۲۲. کلاوزویتس، کارل فون (۱۳۸۵) در باب جنگ(جلد ۲). حسن پروان، تهران: دانشکده و پژوهشکده فرماندهی و ستاد و علوم دفاعی.
۲۳. کگل، استوارت (۱۳۷۹) چارچوب‌های قدرت. مصطفی یونسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۴. لوکس، استیون (۱۳۷۲) قدرت. فرهنگ رجایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۵. مدرسی، سید محمد تقی (۱۳۸۶) سوره‌های قرآن: درونمایه‌ها و محورها. محمدتقدیمی صابری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۲۶. مک دانلد، دیوید و دیگران (۱۳۸۹) اخلاق و سیاست خارجی. مهدی ذاکریان، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۲۷. مکفرسون، سی. بی(۱۳۸۰) «هابز: تحلیل گر قدرت و صلح»، در: توماس هابز، لویاتان. حسین بشیریه، تهران: نشرنی.
۲۸. میلسن، ژان و همکاران (۱۳۸۸) دیپلماسی عمومی نوین: قدرت نرم در روابط بین الملل. رضا کلهر و سید محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۲۹. نای، جوزف (۱۳۸۷) قدرت نرم. سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

۳۰. نصر، صلاح (۱۳۸۰) جنگ روانی. تهران: سروش.
۳۱. هیلزگری، کریس (۱۳۸۱) جنگ پست مدرن. احمدرضا تقاء، تهران: دوره عالی جنگ سپاه.
۳۲. یاسوشی، واتانابه و دیویدمک کانل (۱۳۸۹) آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت نرم. سید محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۳۳. _____ (۱۳۸۹) دیپلماسی عمومی، جامعه مدنی و قدرت نرم. سید محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
34. Ackerman, Peter & Jack Duvall (2000) A Force More Powerful. New York: Palgrave.
35. Corthers, Lane&Charles Lockhart (2000) Culture & Politics. NewYork: St. Martins Press.
36. Marry, Williamson& et.al (1994) The Making of Strategy. Cambridge University Press.
37. Sharp, Jene (1973 – a) Power & Struggle. Boston: Extending Horizons Books.
38. Sharp, Jene (1973 – b) Methods of Nonviolent Action. Boston: Extending Horizons Books.
39. Sharp, Jene (1973 – c) Dynamics of Nonviolent Action. Boston: Extending Horizons Books.
40. Sharp, Jene (2005) Waging Noeviolent Struggle. Boston: Extending Horizons Books.